

«فرهیختگان» پیشنهاد می‌دهد

جبران خسارت‌های جنگ ۱۲ روزه از راه‌های غیرتورمی



پانته‌ا رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

امروز شنبه هفتم تیر ماه، پنجمین روز از زمان اعلام آتش‌بس بین ایران و رژیم صهیونیستی است. اینکه این آتش‌بس تا چه زمانی داوم بیاورد، فعلاً یک موضوع مبهم و بدون پاسخ است. اما با فرض تداوم آن، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که کشورمان برای بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده از این تجاوز آشکار به خاک ایران از سوی صهیونیست‌ها، باید از کدام منابع مالی استفاده کند؟ چهار اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» بر این نکته تأکید دارند که ۱- بازار سرمایه که در اغلب کشورها ظرفیت بالایی برای تأمین منابع مالی پروژه‌های عمرانی دارد، در ایران تاکنون در حاشیه بوده و به نظر نمی‌رسد ظرفیت بالایی برای تأمین مالی داشته باشد. درخصوص نظام بانکی پیشنهاد کارشناسان این است که دولت از ظرفیت گسترش هدفمند پایه پولی و همچنین افزایش ۵ واحد درصدی نرخ هدف رشد ترازنامه از ۲۵ به ۳۰ درصد استفاده کند. مجید شاکری، اقتصاددان، پیشنهاد می‌دهد با بهره‌گیری از ظرفیت مازاد صنایع بزرگ و استفاده هدفمند از پایه پولی بانک مرکزی، می‌توان بخشی از سرمایه در گردش شرکت‌ها و پروژه‌های زیرساختی را تأمین مالی کرد. حسین درودیان به ضرورت تأمین منابع ارزی خارجی از طریق فروش نفت و توافقات‌های امنیتی برای دریافت تجهیزات نظامی از کشورهای همچون چین اشاره می‌کند. کامران ندری نیز معتقد است از ظرفیت‌های دیپلماسی دولت برای تأمین مالی خارجی کمک گرفته شود. سیدعباس عباسپور بر ضرورت اولویت‌دهی دولت در تکمیل پروژه‌های غیرضروری و استفاده هدفمند از رشد پایه پولی برای حمایت از پروژه‌های ضروری تأکید می‌کند و معتقد است با مدیریت هوشمند نرخ بهره و انتشار اوراق بدهی شرکتی، می‌توان ظرفیت تأمین مالی کم‌ریسک را افزایش داد.

لزوم توجه به توسعهٔ بازار اوراق بدهی شرکتی

مجید شاکری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در رابطه با مسیر تأمین مالی برای اصلاح زیرساخت‌های آسیب‌دیده در اثر حملات رژیم صهیونیستی اظهار داشت: «برای تأمین مالی، لازم است از ساختارهای مناسب استفاده کنیم. ما تاکنون سیاست انقباضی را به کار برده‌ایم که مشکلات زیادی ایجاد نکرده است. یکی از برنامه‌های ما، تمرکز بر تعادل بخشی و مدیریت مصرف گاز در صنایع مختلف است. در واقع، با بهره‌گیری از ظرفیت مازاد صنایع فولاد، می‌توانیم راه‌حلی برای تأمین مالی سرمایه در گردش شرکت‌های بزرگ ارائه دهیم؛ به ویژه شرکت‌هایی که در این دوره با مشکلات کمتری مواجه بوده‌اند و باید آمادگی لازم را داشته باشند.»



سید احسان حسینی
خبرنگار گروه اقتصاد

بعد از اعلام آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل، دونالد ترامپ در اظهاراتی مدعی برداشتن تحریم‌های نفتی علیه ایران شد. ترامپ ابتدا ۲۴ ژوئن یعنی سوم تیر ماه در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: «چین اکنون می‌تواند از ایران نفت بخرد. باعث افتخار بزرگ من بود که این را ممکن کردم.» رئیس‌جمهور آمریکا سپس در ۲۵ ژوئن و در نشست خبری در حاشیه اجلاس ناتو اعلام کرد که اگر می‌خواست می‌توانست جلوی صادرات نفت ایران به چین را بگیرد اما این کار را انجام نمی‌دهد، زیرا ایران برای بازسازی خود بعد از جنگ به منابع مالی نیاز دارد. وی در ادامه افزود فشار حداکثری همچنان برقرار است اما چین می‌تواند از ایران نفت بخرد. سپس استیو ویتکاف از برداشته شدن تحریم فروش نفت ایران به چین در تاریخ ۲۵ ژوئن خبر داد و این اقدام را به عنوان حسن‌نیت آمریکا برای اعضای توافق جامع با ایران معرفی کرد که یکی از شروط این توافق، توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران است. اما سؤال اصلی اینجاست، با فرض صحت ادعای ترامپ مبنی بر برداشته شدن تحریم فروش نفت ایران به چین، آیا این اقدام یک امتیاز برای ایران محسوب می‌شود؟

روزی ۲ تحریم نفتی جدید در فشار حداکثری ۲

ابتدا بهتر است بدانیم، دونالد ترامپ از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، موعد تحلیف خود به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا ۱۱ بسته تحریمی جدید را ذیل فشار حداکثری ۲ علیه شبکه فروش نفت و محصولات نفتی ایران اعمال کرده است که ۶ بسته آن در زمان مذاکرات غیر مستقیم

خبر

آسیب ۳۵۰۰ واحد در تهران از تجاوز رژیم صهیونیستی

رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از پرداخت پول رهن و اجاره به مالکان واحدهای کاملاً تخریب شده در تهران و استان‌ها در جنگ ۱۲ روزه خبر داد و گفت: «حدود ۳۵۰۰ واحد در تهران از تجاوز رژیم صهیونیستی آسیب دیده‌اند. غلام‌رضا صالحی اظهار کرد: «در تهران ۳۳۲ ساختمان و حدوداً ۳۵۰۰ واحد از تجاوز رژیم صهیونیستی آسیب‌دیده‌اند که بسته مالی و بازسازی برای این ساختمان‌ها تنظیم شده و به دولت تحویل شده است.» به گفته وی، در صورت تصویب (در روز یکشنبه هفتم تیر ماه) در هیئت دولت، جزئیات تأمین مالی خسارت و بسته‌های تسهیلاتی به مردم را اعلام خواهیم کرد.

تجارت خارجی در ۱۲ روز جنگ پایدار ماند

سید محمدصادق قنادزاده، معاون سازمان توسعه تجارت با اشاره

وی درباره امکان استفاده از ظرفیت ساختار نظام بانکی و بازار سرمایه برای تأمین مالی افزود: «در ادامه، پرسشی مطرح شد که آیا می‌توان از ساختار نظام بانکی و بازار سرمایه برای تأمین مالی استفاده کرد؟ بازار سرمایه این امکان را فراهم می‌کند، به خصوص از طریق انتشار اوراق بدهی شرکتی که به کنترل نرخ بهره در زمان انتشار این اوراق کمک می‌کند. این رویکرد به افزایش سوددهی بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ کمک خواهد کرد، اما مدل استفاده از خط اعتباری بانکی به سبک شهریور ۱۳۹۹ برای تقویت شاخص‌ها را نمی‌پسندم. نکته آخر اینکه، در پاسخ به سؤالی درباره استفاده از ظرفیت صندوق توسعه ملی و استفاده از ظرفیت‌های دیگر برای تأمین مالی کم‌ریسک، توسعه بازار اوراق بدهی شرکتی اهمیت زیادی دارد. مشکلات فعلی ناشی از ساختار ناکامل بازار بدهی و نقش محدود سیستم بانکی در پشتوانه بازار است که نیازمند اصلاحات ساختاری است.»

نیاز به وام ارزی داریم

حسین درودیان، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «تأمین سرمایه و منابع مالی، مستلزم بازگشت همراه با سود است. با این حال، بسیاری از مشکلاتی که مشاهده می‌کنیم، مربوط به بخش‌هایی است که بازسازی آن‌ها فاقد عایدی اقتصادی است. به همین دلیل، امیدواری ما برای تأمین مالی از نظام بانکی و بازپرداخت با سود، چندان قابل اتکا نیست. از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از این آسیب‌ها نیازمند تأمین منابع ارزی است که باید از خارج کشور تأمین شود. این منابع می‌توانند از طریق فروش نفت یا معامله منابع طبیعی تأمین شوند. بنابراین، ضروری است ابتدا به منابع بودجه عمومی و سپس به فروش نفت-چه نفت فعلی، نفت آتی یا حتی توافقات‌های تضمینی فروش نفت در برابر دریافت تجهیزات نظامی- مراجعه کنیم. در این توافقات، تجهیزات دریافت می‌شود و پرداخت‌ها در آینده از طریق نفت صورت می‌گیرد.»

وی افزود: «صندوق توسعه ملی منبع گزینه مناسبی است چون منابع آن ارزی است و امکان بازپرداخت مازاد را کاهش می‌دهد. با این حال، بسیاری از آسیب‌هایی که دیدیم، مانند پدافند هوایی، فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی پروژه‌هایی هستند که درآمد مستقیمی برای بازپرداخت ندارند. بنابراین، باید به عنوان پروژه‌های با تخفیف در بازپرداخت تلقی شوند و بازگشت سرمایه آن‌ها مد نظر نباشد. ما در شرایطی هستیم که فشارهای بودجه‌ای در دوره‌ای یک تا دوساله قابل انتظار است و با وجود استقراض خارجی محدود، نیاز داریم از کشورهایی که همسو با ما هستند، وام‌های ارزی دریافت کنیم. این امر برای تأمین مالی پروژه‌ها و جبران کمبود منابع ارزی حیاتی است.»

ایران و آمریکا در مسقط و رم اعمال شده است.

طبق گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، در این ۱۱ بسته جدید تحریمی، ۱۴۴ شرکت، ۸۳ نفتکش و ۲۹ فرد مرتبط به فروش نفت ایران وارد لیست تحریم‌ها شدند که مجموعاً شامل ۲۵۶ تحریم جدید است. این تحریم‌ها در ۴ فاز علیه صادرات نفتی ایران به چین اعمال شد. فاز اول شامل تحریم شبکه انتقال نفت ایران با شبکه ناوگان سایه ایران بود. فاز دوم بر تحریم شبکه خریداران نفت ایران در چین، یعنی پالایشگاه‌های کوچک (تی‌پات) چین متمرکز بود و سه پالایشگاه لوکینگ، شنگ‌شینگ و هبی‌شین‌های به عنوان بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران تحریم شدند.

فاز سوم فشار حداکثری ۲، شامل تحریم شبکه فروش فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی ایران بود و وزارت خزانه‌داری آمریکا در فاز چهارم برای انهدام شبکه بانکی در سایه ایران اقدام کرد تا مانع از انتقال پول نفت و محصولات نفتی ایران شود. نکته جالب اینکه دولت ترامپ برای توقف صادرات نفتی ایران به چین اصلاً کم‌کاری نکرد و از موعد آغاز به کار، هر روز به طور میانگین ۲ تحریم جدید نفتی علیه ایران اعمال کرد. بررسی گزارش‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد، نسبت به دوره بایدن، سرانه ماهانه تحریم‌های آمریکا بر شبکه فروش نفت ایران در دوره دوم ترامپ به بیش از ۳ برابر رسیده است.

بلوف نفتی ترامپ

اما با این وجود، میزان صادرات نفت ایران در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ نسبت به سال ۲۰۲۴ تغییر محسوسی نداشته است. توجه داشته باشید که هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران به مقصد چین انجام می‌شود. طبق تصویر، بعد از آغاز فشار

ضرورت اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی

سیدعباس عباسپور، کارشناس پول و بانک در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد: «در سال اول، دولت منابع مالی محدودی دارد و بخش عمده‌ای از منابع بودجه هر سال به ایجاد دارایی‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اختصاص می‌یابد که همان پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی هستند. بخش قابل توجهی از این پروژه‌ها مربوط به حوزه‌هایی است که ضرورت چندانی ندارند؛ به عنوان مثال، نماینده‌ای ممکن است برای راه‌فرعی حوزه انتخابیه خود که طی پنج سال گذشته سه بار آسفالت شده، بودجه‌ای برای آسفالت مجدد یا تأسیس زمین چمن مصنوعی دریافت کند. هرچند رقم اختصاص‌یافته زیاد نیست، اما نسبت به بودجه کلی قابل توجه است. بنابراین بخشی از این منابع می‌تواند به بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده از جنگ اختصاص یابد. به نظر می‌رسد دولت باید پروژه‌های غیرضروری را کنار بگذارد و منابع را به سمت خسارت‌های ناشی از جنگ هدایت کند.»

استفاده هدفمند از پایه پولی

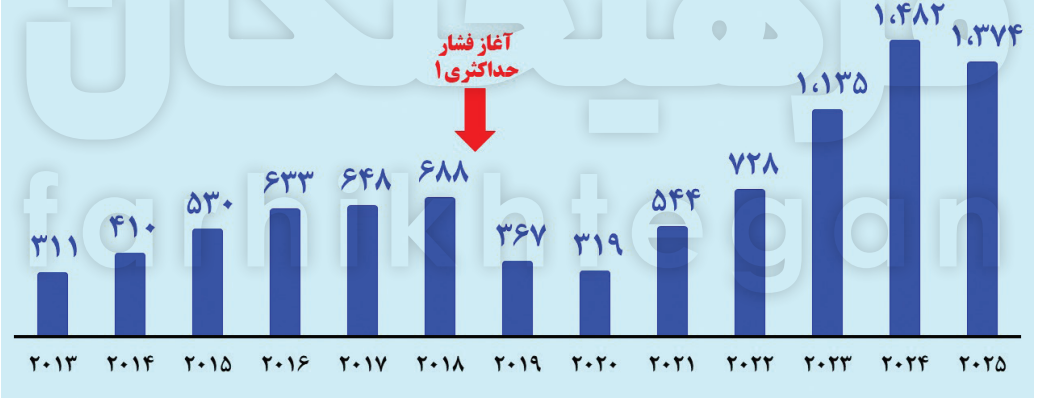
وی افزود: «درخصوص نظام بانکی و بازار سرمایه، به نظر نمی‌رسد بازار سرمایه ظرفیت قابل توجهی برای تأمین مالی کشور داشته باشد و بخش اندکی از تأمین مالی نیز بر عهده نظام بانکی است. بانک مرکزی می‌تواند از طریق انتشار پایه پولی به صورت فعال، بخشی یا کل خسارت‌های ناشی از جنگ را جبران کند؛ البته میزان دقیق این خسارات هنوز مشخص نیست. در سیاست کنترل ترازنامه بانکی، رشد نقدینگی به طور متوسط سالانه ۲۵ تا ۳۰ درصد است که برای تسویه سپرده‌های قانونی و تسویه بین بانکی با بانک مرکزی لازم است پایه پولی نیز به همین میزان افزایش یابد، به طور مثال اگر پایه پولی در پایان سال ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان باشد، تا پایان سال آینده باید حداقل ۲۵ درصد افزایش یافته و به حدود ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان برسد، یعنی رشد ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی. بانک مرکزی می‌تواند به جای اجازه دادن به هدر رفتن این رشد، به صورت هدفمند این پایه پولی را به بانک‌های خاصی اختصاص دهد، برای مثال به سه بانک تحریمی یا بانک‌های سالم با نرخ ترجیحی ۱۲ درصد اعتبار دهد تا آن‌ها بتوانند تسهیلاتی برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و نظامی آسیب‌دیده از جنگ ارائه دهند. این کار باعث می‌شود بخش قابل توجهی از این ۲۵۰ هزار میلیارد تومان به صورت بهینه و مؤثر صرف جبران خسارت‌ها و تقویت زیرساخت‌ها شود، بدون اینکه پایه پولی بیش از حد مجاز افزایش یابد.»

تعیین هدف ۳۰ درصدی برای رشد ترازنامه

عباسپور تکمیل کرد: «در لایه نقدینگی نیز بانک مرکزی می‌تواند

میزان صادرات نفت خام ایران به چین

(هزار بشکه در روز)



بشکه در روز کاهش یافته که این افت فروش حدود ۱۰۰ هزار بشکه‌ای نیز تحت تأثیر تحولات بازار نفت، امری عادی محسوب می‌شود. مقایسه افت ۲/۵ میلیون بشکه‌ای صادرات نفت ایران در فشار حداکثری ۱ و افت ۱۰۰ هزار بشکه‌ای این شاخص در فشار حداکثری ۲ نشان می‌دهد که ترامپ در دور جدید تحریم‌ها علیه فروش نفت ایران به چین کاملاً ناکام بوده و در نتیجه، برداشتن این تحریم‌های غیر مؤثر، امتیازی برای ایران محسوب نمی‌شود بلکه روغن ریخته نذر امام‌زاده شده است.

حداکثری ۱ در اواخر سال ۲۰۱۸، رقم فروش نفت ایران به چین از ۶۸۸ به ۳۶۷ هزار بشکه در روز سقوط کرد و ۴۷ درصد کاهش یافت. البته در آن زمان عمده فروش نفت ایران به مقصد چین نبود. اگر کل صادرات نفت ایران را مبنا قرار دهیم، میزان فروش نفت ایران بعد از آغاز فشار حداکثری ۱ از رقم ۲/۷ میلیون بشکه به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسید و ۹۴ درصد کاهش یافت. اما اکنون با گذشت ۵ ماه از آغاز فشار حداکثری ۲، میزان صادرات نفت ایران که عمده آن به مقصد چین است از ۴۸ ر ۱/۳۷ میلیون

سقوط دلار به پایین‌ترین رقم خود طی ۳ سال اخیر

پس از گزارش‌هایی مبنی بر اینکه دونالد ترامپ ممکن است رئیس‌بعدی فدرال‌رزرو (بانک مرکزی آمریکا) را پیش از موعد معرفی کند، ارزش جهانی دلار به پایین‌ترین سطح سه‌ساله خود سقوط کرد. به گزارش تسنیم به نقل از گاردین، رئیس‌جمهور آمریکا بارها با جرم پاول، رئیس‌کنونی فدرال‌رزرو، درگیری لفظی داشته و وی را متهم کرده که در کاهش نرخ بهره کند عمل می‌کند. وی در آخرین اظهارات تند خود در روز سه‌شنبه، پاول را «بسیار احمق» خواند. دوره ریاست پاول ۱۱ ماه دیگر یعنی تا ماه مه سال آینده، ادامه دارد و به طور سنتی، اعلام‌شان‌سین سه یا چهار ماه زودتر انجام می‌شود. با این حال، وال‌استریت ژورنال گزارش داد که ترامپ در نظر دارد جانشین پاول را در سپتامبر یا اکتبر انتخاب و اعلام کند که باعث ششد ارزش دلار در برابر سبدی از ارزهای دیگر ۰/۵ درصد کاهش یابد و به پایین‌ترین سطح از ابتدای

مارس ۲۰۲۲ برسد. طبق گزارش این روزنامه آمریکایی، با توجه به ناراضیاتی ترامپ از پاول و فدرال‌رزرو که در برابر درخواست‌های او برای کاهش نرخ بهره مقاومت کرده است، اعلام جانشین حتی ممکن است در تابستان امسال انجام شود. اعلام زود هنگام رئیس‌بعدی فدرال‌رزرو می‌تواند به فرد انتخاب‌شده توسط ترامپ اجازه دهد تا انتظارات درباره مسیر نرخ بهره را تحت تأثیر قرار دهد که این امر نیز ممکن است موقعیت پاول را در ماه‌های پایانی دوره‌اش تضعیف کند. ترامپ روز چهارشنبه در کنفرانس مطبوعاتی اجلاس ناتو در لاهه وقتی که خبرنگاران درباره جانشین پاول پرسیدند، گفت: «من سه یا چهار نفر را در نظر دارم که انتخاب خواهیم کرد.» گفته می‌شود ترامپ در حال بررسی افرادی مانند کوین وارش، فرماندار سابق فدرال‌رزرو، کوین هامت، مدیر شورای اقتصاد ملی آمریکا، و اسکات بست، وزیر خزانه‌داری این کشور است.